هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

ر مسائل روز ، نظر به جامعه با نگاهی عمیق ، واکاوی گذشته ، حال



چراجامعهشناسان ایرانی مهجورند؟

دا روی روی اردو هانداز آینده جامعه از منظر تئوری و عمل، دلیل ما برای گپ و گفت با منوچهر آشتیانی است کسی که از نسل نخست تحصیلکرد ک<sup>ارا</sup>ی جامعه شناسی در ایران محسوب می شدوه از این رهگفر کسین نز تعربیات مینی و عملی و می تواند راهگشسای ناما ناز رنگ و کشیا بنده در خی از بندهای روستا اجتماعی باشد در بستی که برای دستیایی به اصالت صلح و پایداری نیاز مند بر نامه در بری های گسترده است. از ایرزوهر هفته سیخ خواهد شد تا با منوچ به آشتیایی از سوی مباحث تعروی و

از سوی دیگر مباحث و مشکلات اجتماعی را مور دبررسی قرار دهیم تا از این طریق لایه های کمتر دیده شده علم جامعه شناســی و همچنین مباحث روز و عملی آن مور دبررسی قرار گیرد. به همین

دلیل نیز سسعی بر آن شد تا در گام نخست، به بر رسسی ّ تئور یک شکل ُ گیری جامعه مُسَّنسُ در ایران پر داخته شود و همچنین طبی مباحثی به نسبت شناخت از جامعه در آرای ایرانیان و غرب و همچنین

تأثير اين شسناخت در زيسست اجتماعي مردمان اين مناطق بپردازيم. بخش ابتدايي در پي مي آيد:



در مجلس بودید برای مقابله با این مسأله .

جایگزینی در نظر گرفتید و چطــور از زنان و فعالیتاجتماعیآناندفاع کردید؟

همان زمان هــم جايگزينهايـــى در نظر گرفته

میشد اما معمولا باز هم بــه ضرر زنان بــُود. این تســـهیلات به ظاهر به نفع زنان بود امـــا در نهایت

نمی توانست کمک کننده باشد مثل طرح مرخصے

رایمان زنان که قرار بود اضافه شود. من با این طرح مخالف بودم چرا که همین اتفاق باعث می شــد تا

کارفرماهاً زنان مُتاهل را استخدام نکنند. نیروپی که قرار است ۹ ماه نباشد بهتر است در کل استخدام

نشــوُدُ چون نمی توانــد از تمام توان ُنیــروی خود اســتفاده کند. همان زمان طرحهایی ارایه میشد

که بیشــتر بر واقعیت منطبق بود. مثلا همیشه ما

ہیگیر بودیم که چرابحث مهدهای کودک در کنار ادارات پیگیری نمیشود اینکه زنان شاغل بتوانند

به راحتی بچههایشان را کنار خُود داشته باشند و هر زمان که نیاز به شیر دادن بود خودشان را به

به هایشان بر سانند بااین که چراحقوق بیشتر برای

پوانسر بحسور روان کاری کمتری داشته باشند یا حتی سرویسی که ایاب وذهاب آنها را راحت ترکند؟ همهاینها طرح می شد اما چون هیچوقت یک گروه تخصصی کار را پیش نعی برند نتوانستیم کاری کنیم و همیشه در

ماانگار مخالفان این نظریات نمی توانند کاری از پیش ببرند چرا که مساله کم شدن سهمیه دختران در دانشگاه هم مطرح شده

که در ادامه مقابله با بالارفتن تحصیلات زنان

-همه اینها عین بی عدالتی است. این که بعضی شتهها مردانه هستند و بهتر است که دانشجوی

دختر نداشته باشند یک بحث است. یک بحث هم

رنان و مردان است. حتى اين مسأله هم نوعى پاک کردن صورت مساله است. براى حل اين معضل نمى توانيمپر خوردهاى سلبى داشته بالكه بايد

همه این مسائلی که می گویید تنها در حرف خلاصه می شود و متأسفانه نهایتا هیچ مرف عملی در خصوص رفع مشکل صورت

عی حیر۔... به این دلیل که مجلس ما تخصصی کار نمی کند.

. یں ری - برست - برست اللہ میں ماہ کے درمی گیرد هما چیز سریع رنگ و بوی سیاسی به خودمی گیرد هراز چندگاهی یک مسأله جنسیتی مطرح می شود در حالی که حوزه بحث تخصصی را باید از بحثهای

در کی عاصرار با ماه کرد مرکز پژوهش های مجلس به جدلی جیدا کرد، مرکز پژوهش های مجلس به جای این که به فکر کم کردن سیهمیه دختران در

دانشـگاه باشــد باید بیایدو این موضوع را پیگیری

سوال را می دادم. چون پسرهانوی می خونداهی بسر سوال را می دادم. چون پسرهانی بنگذارند و ۴سال را پای درس خوانسدن برای همین سسریع وارد بسازار کار می شوند و به این فکر هستند که هرچه زودتر در آمد داشته باشند چون موقیار ترواج بول بیشتریه کارشان

مىآيدالانمهم ترين مسأله جامعه مادرس خواندن

ی ... در کار کی ... دختران نیست بلکه از آن مهم تــر درس نخواندن پسرهاست که باید به آن پرداخته شــود. امروز کار

كردُن زنها جزو ضروريات جامعه است. هم بهُ دُليلُ

اقتصادی که وجـود دارد. پس

. یله برنامهریزی و با برخورد ایجابی این مسائل

مربوطٌ به سهمیهبندی و مساوی قرار دادن سهمی

بديهياتباقي مانديم.

درباره مشكلات امروزى زنان در اجتماع از نماينده سابق مجلس پرسيديم

# جرافقط صورت مسألهها راياك ميكنيم

افتخارمابهزنان،واقعىنبود

. رئین موضوعاً تی تا چه اندازه با این معضلات چنین موضوعاً تی تا چه اندازه با این معضلات ار تباط واقعی دارد؟

باید به همان اندازه هم از فرد توقّع داشت باشد تا به کشور خود خدمت کند. ما زمانی به ۶۸ درصد

### • پس چرا همان زمان کــه در مجلس بود ٍ واكنشى نسبت به اين موضوعات نشان داده

\_ همان زمان هــم واكنشهايي مطرح مي: اما درنهایت به دلیل آگاه نبودن مسئولانی که در ردههای بالاتر بودند و مسئول رسیدگی به این مُسائل بودند کاری از پیش بُرده نمی شد. چنین معضلاتی باارایه چندنظر کارشناسی حل نمی شود. بايدريشماى باأن برخورد كردو نبايد تنها چند ایده مطرح شـود که ربطی به واقعیت ندارد. خیلی از مسائلی که در مجلس به آن پافشاری می شود یک دستاورد سیاسی است تااین که بخواُهد یک راُهحل کمک کنندماشند

ند کســانی که معتقدند، •در مجلس هس رز ... «زنی که دغدغه اصلیاش شاغل شدن و این دست مسائل باشــد دیگر به وظایف اصلی خودنمی رسد.» این نشان می دهد حتی زنان مجلس هم در مورد موضوعاتی که نسبت به هم جنسانشان مطرح می شود یک عقیده

به نظر من، ما قبل از این کــه بخواهیم درباره هر چیزی نظر دهیم باید آن را آسیب شناسی واقعی کنیم. کسی نمی گوید خانههااز دغدغه اصلی خود که مادر بودن است غافل شوند اما این موضوع هیچ ر بطی به این مسأله ندار د که زن نتواندهم مسئولیت مادری و همسری خود را ایفا کند و هم در جامعه از توانمندیهای خود استفاده کند. به نظر می رسد برخی مواقع ما به دلیل ضعفی که در استفاده از ر ر فی نیروهــای متخصص داریم، نظراتــی می دهیم که خیلی منطبق بر مســاله روز اجتماع نیســـت. اگر قرار اســت تمام زنان تنها به خاندداری و بچدداری رور بپردازند، پس چرابه آنها اجازه ورود به دانشگاه می دهیم؟ به نظر شما این هدررفت سرمایه کشور يست كه يك نفر متخصص تربيت كندوبعداز

> • -- حــ الاكـه شــما از مخالفان سرسـخت طـرح چنیـن مسائلہ ، هستید، زمانہ که

### علامت سوال

طرح نو اسارا شمیرانی | پاک کردن صورت مسأله آن جا که راهکارها نتیجه نمی دهد آسان ترین ر سرح ( اسراسی جر بری ) پر بی طرن مورد انتخاب است. این که به جای بر داشتن موانع به راه حل هایی متوسل شــویم که به نادیده گرفتن بخش مهمی از جامعه منجر شودنه نتها به پهبوده مشکلات در جامعه کمک نمی کند که حتی باعث سر خوردگی و جدایی بین بخش های مختلف جامعه می شود. مسأله بالار فتن ســن ازدواج و همچنین بچدار نشدن زوجهــای جوان که در این چندســـال اخیر تبدیل به یک معضل اجتماعی شــده، تصـام نگادها را متوجه زنانی کر ده است که شُوق تحصیل و فعالیات درجامه را دارنداها بهزعم خیلی از مسئولان با این اقدام خود زمینههای مشکلات زیادی را فراهم می کنند و تیشه به ریشــه بنیان خانواده می زنند ریشههایی که به تغییر مخالفان فعالیت حـدی اجتماعی زنان، در خانه نشسینی و بچدداری و همســــداری خلاسه میشـــود. در همین راســـتا با فاطمه آجر لو نماینده ســابق مجلس بهعنوان یکی از مخالفان طرح جنین مــــــاتالی و درباره هجمه های اخیری که به ســـمت فعالیت اجتماعی زنان وارد میشود. گفت وگو کر دیج

> •مدتهاست براى حل مساله بالارفتن سـن از دواج و همچنین بحث بچهدار نشدن زوجهای جوان، تحصیلاتبالای زنان وشاغل بودن آنان مطرح می شـود. به نظر شما طرح

ربید موسطی است. کسانی که چنین موضوعاتی را مطرح می کنند کافی است از خود یک سوال بپرسند این که توقع خودشان از جامعه، زمانیکه به یک تخصص و تُوانایی دستُ پیدامی کُنند تا چـه اندازه تغییر می کند و آیا همان توقعــی را از خود دارند که قبلا هم داشتهٔ اند؟ همه در پاسخ به این سُوالُ می گویند توقع شان بالاتر می رودودیگر آدم قبل نیستند. پس این یک اصل است و نباید آن را تنها به زنان جامعه تعمیم داد و گفت چون زنان درس می خوانند و فعالیت اجتماعی دارند، متوقع می شوند و با هر ر حسیی از دواج نمی کنند یا تن به بچهدار شدن بدون کسی از دواج نمی کنند یا تن به بچهدار شدن بدون برنامــه نمی دهند. طرح چنین مســالئلی هم پاک کردن صورت مســأله اسـت و هم ربط دادن چند موضوع بي ربط به يكديگر.وقتى كشور سرمايه ملى فود را هزینه می کند تا یک نفر به تخصص برسد . ورودی خُانمها در دانشـگاههاافتخـار می کردیم اُمُا ُحرَفهایی که این روزها مطرح می شـود ن مىدهد افتخار ما واقعى نبوده چرا كه امروز به اين باشند چُون متوقع میشوند و بنیان خانواده بهم

ندارندودودسته *گی*وجوددارد..

و بخواهد که تنها در خانه به وظیفه مادری



## درنميزنند

عزتالهمهدوی | آموزگار |



پله، پاگردونرده، زانو و ســاق هایی که نمی کشــید و قلبي كه حسالًا به ديسوارهاي مي كوبيد و بي محابا نگینے اش را تحمیل می کرد. خیسی پیشانی ، اثر چهٔارمُ،ازلای نردههامی شدمعبری را دید که در نتهایش چیزی نبود. دست هم برای پیچاندن کلید مهارزید در که بازشدهجوم تنهایی، پیشانیش راسرد کرد نیامده بود. باید به دقت نگاه می کرد. حالا مطمئن شده بود که نیامده است: آلبوم، روی زمین کنار مبل راحتی روی صفحهای دهان باز کرده بود. تصویر پنج نفر رانشان می داد. همه پسر. دو نفر که بزر گتر بودند عقب ایستاده و نفر سمت چپ یک دست روی شانه سمت راستی خودش که میخندید انداخته و دست چپراازُ دور گردن پسر کوچکتر که جلویش ایستاده بودو کمی سرش را به سمت چپ خم کر ده بود آور ده و نوک انگشتانش روی شانه پسر کوچکتر دیگری بود که سمت راست ایستاده و دهانش به گفتن چیزی باز مانده بود، پشت پسرهای کو چکتر وسط دو پسر بزر گتر یک نفر دیگری ایستاده بود که نیمی از صور تش معلوم بود وموهاى بلندش روى چشمش ريخته بودو همه جمع بُودند جلوی پنجرهای که باز بود و برگ های پیچک را تا روی لنگههای خود نگه داشته و سمت چپ تصویر، امتداد دیوار گچی رنگ و رو رفتهای را نشان می داد که

امنداه نیوار نیچی رسه رزورند. یا رسی نی حاشیههایش په تیر گیمی زد. روی همان عکس کمی خم شــدو پیشانی اش را

ىتمال كاغذى گذاشته بود. ديد طبقه

لابداگر به حرف میآمدی همان چیزهایی را می گفتی که بارها تکرار کردهای.

بالاخره من هم جاني بايد كه بايستم و به جيزي تکیه بدهم؟ و یک وقتهایی سسر روی ش بگذارم؟ همهاش نمی شود نقش بازی کرد، نقش یک نگهبان که شب و روز بیدار و مراقب است. دوست دارم گاهی هم بیفتم، باید دستی هم باشد

قدم برداشــت. اما در باز نمی.شد، مدتهاست که

چرا ایسن جور نسگاه می کنی؟ حسرف بدی که

پرانتز

میزُنم،میزنم؟ خب! دنیا تغییر کرده؟ بکنــد. اما چیزهایی هم هست که نمیشـُـودُ ندید. تو لازم نداری که زبان

ول توجیبی دادن مهم نیست؟ خب نباشد. پون و بیبی دن چها پیست. پیگیر خــرج و مخــارج خانه و خــورد و خوراک و مسکن بودن، وظیفه است؟ خب باشد.

ی ی - برصحرور در صحایی تو نمی خواهی بهادر به حساب بیایی، نیا، فکر می کنی من اسسیدی وار با تو حرف می زنم؟ آن بار شده که روی منبر رفتهام؟ وقتی مسألهای طرح کردهای، ایستگاه گرفتهام؟ به موتورت می زنم؟ ووقتهایی که جفت شیش آوردهای بهمات میریزم و سفیدی که زدهای هدر میشود؟ باشد.

که نگذارد به زمین بخورم؟ احساس کرد کلیدی توی قفل در می پیچد

ئسى در نمىزند.

•ابتداکمی در خصوص شکل گیری رشته جامعه شناســـی و ورود آن به ایران توضیح

طرح نو | فروغ فکری | بررسے

. درســال ۱۳۳۰ که مــن وارد دانشــگاه تهران شدم، هنوز رشته جامعهشناسی وجود نداشت سمه موور راست بمتحصصی و بود است. یعنی تا آن زمان در دانشگاههای ایران این رشته درس داده نمی شد. زمانیکه من در آن سال وارد دانشگاه شدم، رشته ای وجود داشت به نام فلسفه وعلوم تربيتي كه از ادغام إين دو رشته با يكديگر به وجود آمده بود. پس از آن بود که درسی به نام ب و بوسسه بود پس از س بود عرصی جا م جامعه شناسی را در این رشته گنجاندند و دکتر غلامحسین صدیقی نیز به تدریس آن پرداخت. تا پیسش از این تنها یک کتاب وجود داشت که أن هم ترجُّ منه بود بانام علم اجتمناع كه دكتر مهدوی آن را بیرون داده بودند و همگان آن را حقوق سیاست واقتصاده جامعه شناسی تشکیل شده بود که آگوست کنت جامعه شناسی را از آن سه رشت جدا کرد و برای نخستین بار لغت

آن سر رشت مرا کرد و برای تخسین باز لفت اما چه نسبتی میان این جامعهشناسی اقیصه در گذشته و در ارای فلسفه و بیا آنچیه در گذشته و در ارای فلسفه و کسرد؟ در گذشته و در آرای فلاسفهای چر کهمان و همچنین در آرای فلاسفهای چر کهمان و همچنین در آرای فلاسفهای دیگر، مشامین عمین اجتماعی به صورت دیگر، مشامین عمین اجتماعی به صورت گسترده مطرح شده است بسیاری از این مفاصه، نسا؛ عمد آنادافتان و تحلالی مفاصه، مشامه است بسیاری از این مفاصه، نسا؛ عمد آنادافتان و تحلال مضامین نیــز از عمق اتفاقــات و تحولات اجتماعی گرفته شــدهاند و حتی می توان

أنهار الهجال حاضر تعميم داد... بن علم وقتى وارد شــد -كــه البته به ص دقیق و کامل نیز واردنشد-هیچ شباهتی با آنچه در کشور ما در خصوص مطالعات اجتماعی وجود داشت،نداشت. آنچه کنت، دور کیم، وبرو... گفتند تا حد بســیار متفاوت بود و در حقیقت ســخر از علمی شدنٌ و ســُنجشُ دُر میانَ بود و با آنچه سعدی و حافظ،ابن ســینا و خوارزمی و ــدر آثار ی معتندنسبتی نداشت. پر، مه اینتها برای نخستین بار به تعریف جامعه دست یافتندو این که جامعه دارای چه مختصاتی است نکتهای که فلاسفه شرق به آن نید داخ… ے ر خودشاندربارہجامعمیگفتند چراکہاینھا برای نخسستینبار ہ

حتى فلاسفه غرب نيز از آن غافل بودند. البته اين نكته را نباید نادیده گرف*ت که* اولین مطالعات درخصوص تاریخ، جامعه، قانون و ... منشأ الهي دارند و برای نخستین بار در تــورات، قرآن و ســایر ادیان دیگربه آن پرداخته شده است.امااز قسرن ۱۷-۱۶ مسلادی سه بعسداز داخل ميسمردي. الهيات، فلسفه استخراج شد و دانشــمندان بزرگی مانند ر . کانت، هسگل، مارک کانت، هـگل، مار کــس و .. فلاسفهای هستند که از دل الهيات،فلسفه جامعه و تأريخ رااستخراج كردنــدوازدل

علوم *که تن*ها آنهارا گرفتیم وبدون تغيير مور داستفاده أنهانيز دانش جامعه شناسي

. تخراج و به علم بدل شد از ســوی دیگر بســیاری از همین بزرگان تأکید ر کرے۔ ' ہے۔ می کنند که مبادا جامعهشــناس برود به سمت الهیات، فلسفه، تاریخ و ... و همواره باید استقلال خُود را حفظ کند. البته هر گز این را نگفتهاند که از آنها جداست اما جامعه شناسی برای استفاده از آمار و اندازه گیری علمی شکل گرفت. البته باید مکاتب جامعه شناسی را نیز شــناخت که یک بخش عمده آن به سمت فلسفه می رود.

•از ورودناقص وغير دقيق جامعه شناس مرورو صحبت کردید. دلایل این نقص و عدم دقت

رادر چهمی توان جست؟ متلسفانه نخستین کسانی که به تدریس در این خصوص پرداختند به اصول عملی و رشد آن در جامعه نظر نداشتند. سرای مثال یک ت ر . تــرم کامل که آن مُوقــع ۹ ماه بود، ب تئوریهای اجتماعی تدریس شکد که آن کتاب هم نسخه چاپی نداشت و برای ما می خواندند و مامینوشتیم.نه پرسش میشد،نه بحث میشد و نه هیـُـچ فعالیتُ دیگــری در کلاسها صورت میگرفت نه صحبت از کار کرد، نه ســاختار و نه هیچ چیز دیگر که پایه مباحث جامعه شناس . نبود و تنها به نظرات فلاســفه مختلف

ی پوشی.. کمیسکوتمی کندوادامهمی دهد:

رى راننده: ايــن زن چرا توى اين ســرما بايد ليف فروشه... ليف حموم. حوصلهاش انگار سر مىرود. راديو بود\_ -یوبو. **رادیــو**: نمیشــه آدمــارو از روی ظاهرشــون

صدای بهروز رضوی، گوینده رادیومی آید؛ **بهــروز رُضُــُوی (رادّیــو**): چَهُل ســال هم از پیاده می شوم.. شلوغی؛ صدای بوق های ممتد و كتابهاوآزمونهاًى كارشناسى ارشدود كترا...

تاكسىنوشت

## چهل سال هم از عشقمون بگذره، محاله احساساتمونيادمبره



طرح نو مجتبى پارسا روز يكشنبه، باد، هواى

تُرافيک سنگين چمران...ابُرهايي که در آينه بغل ماشین به آنها خیره شدهام،انگار در آینه با سرعت بیشتری حرکتمی کنند.بهآرامی می گویم: من: چقدر امروز هواصاف شده. باصدای نخراشیدهاش گفت: راننده:صاف نه! تمیز شده! من: آره اما صاف هم شده؛ به نسبت دیشب که راننده: آره خب صاف هم شده اما تميزي

مدرسه نمیرن؛ کسی سر کار نمیره؛ خیلیا رفتن من: پسچرااینقدر چمران ترافیکه؟ ترافیک به او فرصت داد تا از آینه بغل به کوهها و مان نگاهی بیندازد: راننده: کوههارواز توی آینه می بینی؟

**راننده**:هوا،هوای کوهه...مگهنه؟

من:نمىدونم...بەنظرماونجاالانخىلىسر راننده: سردباشه! سرماش لذت بخشه الباس گرم

راننده: از صبح دایما تواین فکرم که برم کوه؛ فردا هم که تعطیله...

. چیزینمی گویم؛ تنهابهابر هاخیر مشدهام. پیری نمی گوید: تنهابه ترافیک خیره شدهاست. در حرکت کند ماشین ها و میان ایست های بى پايانشان، زنى باليف هاى حمام، مى چرخد راننده

رادیوراروشین میکندو همزمان بیا آن، ترافیک به جریان میافتد،انگار گیسرش همین دکمه

علمی نبود اما متاسفانه در ایران رشد کرد. چرا که کسانی که این کار را کردند خیلی ابتدایی و خــام بخشهایــی از دانش جامعه شناســی جهان را ترجمه کرده و ارایه کردند. ولی نگفتند که این دانش از چه پدر و مادر و بستری بیرون آمده است و برای گذشته آن هم توضیحی داده نشد، حتی تلاش نشد هم ذاتی داخلی برای آن تعریفشودوهنوز هم تعریف نشدهاست و باز هم بسیاری از دانشجویان جامعه شناسی ماریشهها . برکی . رانمی دانند. ماکس وبسر رامی خواند اما کانت را نمی شناسد و فلاسفه و بزرگان خود را که مطلقا نمی شناسد. ابن خلدون بزرگ را که این همه از او سیده سید این طبیعی بردر در این این بیمهمار رو نقل قول می شود را کسی نمی شناسد. من زمانی درداشگاه آن خلدون تدریس می کردم. در پایان ترم به جرأت می توانم بگویم که ۱۵–۱۴ تئوری مدرن از آرای این خلدون استخراج کردیم. اما از آن تبعیت نشدو در حقیقت نادیده گرفته شدو انطور کهشایستهبودبه آنهاپرداخته نشد. • البته این گفته شما که ۱۴–۱۵ تئوری

پرداختهمی شد. به این تر تیب این جامعه شناسی

مدرن را از آرای ایس خلدون استخراج کردید، به نوعی ناقض سخن قبلیتان در خصوص تفاوت آرای جامعهشناسی آمده به ایران با آرای گذشتگان مااست!

فرزند جامعه شناسی جهانی را بدون پُدر و مادر به ایران آور دیم و بــدون پدر و مادر خوانده ایرانی بزرگش کردیم. بعداعتراض می کنند که جامعه شناسی ایرانی کجاست؟ جامعه شناسی را بومی ئنیم! ما دارای چند دسته از علوم هستیم. علوم اخذی، تملیکی و تاسیسی، علوم تاسیسی علومی هستند که خودمان ایجاد کردیم. مانند فقه و ادبیات. علوم اخذی مانند ریاضیات و بسیاری ديگر از علوم كه تنها آنها را گرفتيم و بدون تغيير مورداستفاده قرار دادیم. اما تنها دانشی که امکان دخالت در آن وجُود داشت، دانش تملیکی است که ما بسیاری از دانشها را وارد کردیم اما آن را ایرانیزه نکردیم، بنابراین زمانی که جامعهشناسی وارد می شد ما باید از خود می پرسیدیم چه چیز آن را می شود ایرانی کرد؟ در تمام دنیا این اتفاق

رخ ُمىدهداماً هر كشَّ

دارد. مانند مکتّب آنگلب

ـ ر ـ. سبب محبب انخلیسی، فرانسه، آلمان و ... که اینها با

بکدیگر فرق های ملی دارند

در ایسران دکتسر کاتوزیان و برخی دیگر تـــلاش کردند تا

این امر صورت پذیرد اما باز

یں نحنان ممکن نشد بنابراین

ما جامعهشناسی جهانی رها

. شـده را در داخــل تدريس

نیزمکتبوروش خبودرا جامعهشناسی جهانی رابدون پدرومادر به ایران آور دیمو بدون يدرومادر خوانده ايراني بزرگش کر دیم.بعداعتراض می کنند که جامعه شناسی ادانه کحاست؛حامعهشناسه ۔ رابومی کنیمامادارای چند دستهاز علوم هستيم. علوم اخذی، تملیکی تاسیسی، کهخُودمان ایجادگردیم.مانند فقهوادبیات.علوماخذیمانند ریاضیاتوبسیاری دیگراز

می کنیم که همین امر نیز قدرتبررسی مناسبات ایران راسلب کردہ است. . دکتر کاُتوزیسان در کتاب معروف خود با نام« بررسی بنیاد اقتصاد سیاسی ایسران از آغاز تاانقلاب ۵۷»؛ می نویسد ما لغت فئودالیزم را که بسیار استفاده می کنیم، در ایران

ندائسته ایم، بلکه لغتی خارجی است و درواقع ملوک الطوایفی ما فئودالیزم غرب نیست و در مو ب انصوایعی ما فتودانیزم عرب نیست و در حقیقت نماد و ســاختار و کار کردها با یکدیگر فرق دارند و ما طى اين سُــال ُها جامعه شناسى ۔۔ ، ہے۔ سیاســے و فرهنگی و جامعه شناختی کشور را بشناســد و دولتھا نیز در هیچ یک از مقاطع تا حال حاضر کوچکترین کاری با جامعه شناس

در سراسر جهان زمانی که بخواهند کارخانه، مدرسه یا هر چیز دیگر احداث کنند، حتما با جامعه شناس مشورت می کنند. اما این جا اینگونهنیست و به همین دلیل نیز جامعه شناس مهد کودک تأسیس کرد؟ آیا این منطقه از هر نظر مستعد است؟ در نتیجه این جریان ادامه پیدا کر دو بدل به رشته ای بیگانه شده که نه عمق جُهاني آن را ميشناسيم و نه توانستهايم در ایران آن را بومی کنیم و در حقیقت رها شده است. اشکال کار اینجاست!